

طغیان یهود

این شعر چند سال قبل در اثرخونریزیهای وحشیانه و مکرر اسرائیل در فلسطین سروده شده است که اینک به مناسبت کشتار ددمنشانه و خونین اخیر مردمان بی دفاع و بیگناه در نوارغزه ، غرض نشر مجدد به شما تقدیم میشود.

پری وشی که شنیده است داستان یهود	زند به جان و دلم دشنه با سنان یهود
تنیده اند به لعل لبش کلام مجوس	کشیده اند به پیشانی اش نشان یهود
دو چشم کافر او بسته صف به کشتن من	به برق تیر نگاه و به مژه گان یهود
مرا دلیست به صدق و صفای اعرابی	و را سریست پر از دشمنی به سان یهود
لبش چو قند و دهانش به لذت شکرست	مگر به تند زبانیست چون زبان یهود
دلم چو بیت مقس ، مقدس و پاک است	دران نشسته دو چشمش چو پاسبان یهود
رقیب ، جا به برش کرده و نمی داند	که نیست سجده گه مسلمین مکان یهود
بود به پیچ و خم کاکلش هزار فریب	به سان طره پر پیچ زاهدان یهود
ز فتنه نگهش خورده ام فریب و هنوز	هزار رمز نهان است ، در بیان یهود
دلم ز بیم فراقش به سینه می لرزد	چو رمه عرب از هیبت شبان یهود
خدای را که دگر هیچ اعتباری نیست	به داستان نصاری ، به آستان یهود
ترا نفاق ، به خاک سیه برابر کرد	بلند مرتبه گردیده فرّ و شان یهود
بس اعتبار به گفتار ینگه دنیا چیست؟	که این محیل قسم میخورد بجان یهود
نگار من به سر عاشقان عتاب مکن	که تا کسی نبرد بر سرت گمان یهود
تو دوست میشمی هر که را ، نمیدانی	که با تو دشمنی دارند دوستان یهود
بهوش باش که در صحنه سیاست روز	پر از متاع عداوت بود دکان یهود
چه تکیه می کنی اندر پناه دیوارش	که سایه سوز بود رنگ سایبان یهود
ز خواب غفلت اگر بر نخیزی ای غافل	رسد به منزل مقصود ، کاروان یهود
شکار معصیت روزگار گردیدیم	ز تیر ظلم رها گشته از کمان یهود
بنای هستی تان را به نیستی بکشد	اگر به مشت نکوبید بر دهان یهود

[اسیر] کوکب بخت عرب دگرگونست

که آفتاب دگر دارد آسمان یهود

محمد نسیم [اسیر] نومبر ۲۰۰۰

شهر فرانکفورت